روز اول دی

آیین شب یلدا

محمّدعلی اختری ـ مدیرمسؤول و سردبیر مجله‌ی *کانون سردفتران*

□ باستان‌شناسان با کوشش بسیار، در صدد کشف و معرفی آثار باستانی براساس بقایای ساختمان‌ها و اشیای فلزی و سفالی و کتب خطی و امثال آن‌اند، برای این‌که سرگذشت و هویّت مردم یک مملکت را هرچه بیش‌تر در معرض اطلاع جهانیان قرار دهند. امّا بعضی از آثار اندیشه و زندگانی نیاکان ما در ذهن جمعی ملّت ما باقی مانده و نمود خارجی و تجسّم بیرونی ندارد، ولی وجود آن‌ها مسلّم است و از دلایل قدمت و خصایص ملّی ما هستند. این آثار، عقاید و رسوم و آداب محلی و ملّی ـ هم‌چون انواع جشن‌ها، عزاداری‌ها، لطایف، ضرب‌المثل‌ها و افسانه‌ها ـ یادگار شفاهی از زندگانی و طرز تفکر اجداد دیرین ما و گویای سرگذشت مردم ما در قرن‌های پیش هستند. وظیفه‌ی ما حفظ و ثبت و معرفی این آثار و جلوگیری از نابودی آن‌ها می‌باشد و بایستی این آثار فکری و آداب و رسوم و اعیاد ملّی و باستانی را معرفی کنیم.

یکی از این آداب و رسوم، مراسمی‌ست که در شب آخر ماه آذر و روز فردای آن، یعنی اول دی‌ماه گرفته می‌شود. این شب که طولانی‌ترین شب سال و روز (قبل از آن) کوتاه‌ترین روز سال است، به‌عنوان شب یلدا یا شب چله نامیده شده است.

مردم این جشن را با تناول خربزه یا هنداونه و تنقلات و میوه‌های خشک و شب‌نشینی برگزار می‌کنند و به شادی و تفریح می‌پردازند. گویند هر کسی از خربزه و هندوانه و یا تنقلات شب یلدا یا شب چله میل نماید، در سال آینده از آفت تشنگی و گرسنگی و تنگ‌دستی در امان خواهد بود. امّا در زمان‌های بسیار دور در این شب آتش هم روشن می‌کردند و فردای آن روز مراسمی انجام می‌شده که در این مقاله آمده است. این رسم در بیش‌تر اقوام آریایی هم مانند ژرمن‌ها و اسلاوها جشن گرفته می‌شده است. اکنون ببینیم برای برگزاری این جشن مردم چه می‌اندیشیده‌اند و منشأ پیدایش این رسم از کجا بوده است.

نام این جشن را جشن شب یلدا می‌گویند. کلمه‌ی یلدا یک واژه‌ی سریانی به‌معنی و زایش است که توسط مانی و پیروان مانی به ادبیات ایران وارده شده، چون شب تولد حضرت عیسی مسیح را آن شب می‌دانستند، لذا به آن شب یلدا می‌گفتند. نام دیگر این شب، شب چله است، زیرا ایرانیان از اول زمستان تا دهم بهمن را چله‌ی بزرگ می‌نامند که شب یلدا، شب اول چله بوده. در گذشته‌های دور این جشن را نود روز هم می‌گفتند، زیرا از این شب تا روز عید نوروز، درست ۹۰ روز باقی مانده بوده است. طول شب یلدا، چهارده ساعت و یک ربع ساعت و روز قبل آن نه ساعت و سه ربع ساعت می‌باشد. در ادبیات ما این جشن و شب آن شهرت خاصی دارد، به‌طور مثال سعدی می‌گوید:

یاد آسایش گیتی بزند بر دل ریش صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود

و یا این‌که زلف زیبای یار را از لحاظ درازی و سیاهی به شب یلدا تشبیه می‌کنند.

امّا علت انجام این مراسم در این شب چه بوده است؟ در این‌باره تحلیل‌گران اسطوره‌ها چند وجه نوشته‌اند که به‌طور اختصار بدان‌ها اشاره می‌کنم.

وجه اول ـ در زمانی بسیار دور، آغاز سال از اول ماه مهر محسوب می‌شده و بخشی از مردم ایران هم مهرپرست بودند. مهر یا خورشید، ایزد محافظ پیمان و وفاداری و دوستی و آسایش فرض می‌شده است، چون از اول مهر تا پایان آذر روزها کوتاه‌تر و کوتاه‌تر و از ساعات روز کاسته می‌شده و از اول دی‌ماه، مهر یا خورشید از ضعیف‌ترین موضع خود آغاز به بالیدن می‌کرده و ساعات روز که زمان تسلط خورشید بوده، طولانی‌تر می‌شده است و در مقابل تاریکی و شب که از آثار اهریمن بوده، کم‌کم کاسته می‌شده، لذا آن شب را شب زایش مهر یا خورشید فرض کرده و جشن می‌گرفتند و چون معتقد به مبارزه‌ی نیروی راستی و ایزدی با نیروی اهریمنی بودند، با روشن‌کردن آتش، خورشید یا ایزد روشنایی را برای غلبه بر تاریکی یا اهریمن یاری می‌کردند، بسان کودکی که از مادر زاده شود و روزبه‌روز برومند و بالیده گردد.

از سوی دیگر ایرانیان در محلی به‌نام ایرانویچ یا ایران ویژه زندگی می‌کردند و این محل بسیار سردسیر بوده، به‌طوری که ده ماه سردی و زمستان و دو ماه گرما و تابستان بوده است. لذا خورشید یا مهر را که منشأ گرما و روشنایی بوده، ایزد فرض نموده و اهریمن را که منشأ تاریکی و سردی می‌دانسته‌اند، دشمن ایزد مهر می‌دانستند. جهنمی که در مذهب ایرانیان قدیم وعده داده شده، جای بسیار سردی‌ست که از آن به‌نام زمهریر یاد کرده‌اند و جشن شب یلدا اقدامی بوده برای یاری مهر یا ایزد خورشید و ستیز با اهریمن.

وجه دوم ـ این است که در سال دویست و هفتاد و دو پیش از میلاد، در شب بین شنبه و یک‌شنبه، روز بیست و یکم ماه دسامبر یا مطابق شب اول دی‌ماه، شخصی به‌نام مهر مسیحا از مادری به‌نام ناهید یا آناهیتا در شرق ایران زاده شد و سپس در بزرگ‌سالی ادعای پیامبری کرد و آیینی بنیاد نهاد که نه‌تنها در ایران به‌صورت مذهبی رسمی درآمد، بلکه از ایران به روم سرایت کرده و به‌صورت مذهب عامه‌ی مردم در آن‌جا ماندگار شد و لذا آن‌جا هم برگزاری جشن شب یلدا رواج کامل پیدا کرد. درباره‌ی این شخص باید کمی بیش‌تر توضیح دهیم که در سنّت زرتشتی طول عمر جهان دوازده هزار سال بوده که نه هزار سال

آن قبل از زرتشت و در سر هر هزار سال بعدی شخصی از نسل زرتشت به‌نام سوشیانت ظهور می‌کند و در حالی‌که دنیا پر از ظلم و جور شده، مردمان را به راه راست هدایت خواهد نمود و آن را فرشکرد می‌نامیدند، یعنی نوسازی جهان. به این دلیل ایرانیان معتقد بودند که مهر مسیحا همان موعود و منجی زرتشت بوده است. مهر مسیحا ۶۴ سال در این جهان بوده و سپس به آسمان عروج نموده است و شب قبل از عروجش به آسمان با دوازده نفر از شاگردان خود شام صرف نموده و سفارشات لازم را بدان‌ها گوشزد کرده است. مادرش دوشیزه آناهیتا باکره بوده و پس از تن‌شویی در دریاچه‌ی کیانسه (دریاچه‌ی هامون فعلی) به مهر آبستن شده، بدین معنی که فرّ ایزدی زرتشت پس از هزار سال در دریاچه‌ی کیانسه توسط ۹۹۹۹۹ فرشته نگاهبانی می‌شده و هنگام تن‌شویی دوشیزه آناهیتا در آن دریاچه به جسم آناهیتا منتقل گردیده است. این مهر را تجسم این جهانی ایزد مهر یا خورشید هم می‌دانسته‌اند.

این مهر مسیحا در تاریخ ادبیات ما بسیار معروف است. کلمه‌ی مهر، ابتدا میتر، میترا بوده و سپس در اثر تحولات زبان به میثا، مسیا و مسیح تبدیل شده است. اشعار حافظ جابه‌جا به مسیحا اشاره‌ها دارد. باید دانست این مسیحا غیر از حضرت عیسی ناصری یا عیسی مسیح به عقیده‌ی مسیحیان مصلوب شده است. در قرآن هم به مسیحی اشاره شده که به آسمان عروج کرده است و نام مادر او حضرت مریم قید شده، حضرت مریم معروف به عذرا به‌معنی بی‌گناه و دارای عصمت است. نام مادر مهر مسیحا هم آناهیتا یا ناهید که ایزد آب‌ها بوده، معنی آن زن بدون عیب و بی‌گناه یا دارای عصمت کلی است و حال آن‌که حضرت مسیح پیامبر عیسویان به‌قول آن‌ها مصلوب شده است، ولی مهر مسیحا ۲۷۲ سال قبل از میلاد حضرت مسیح پیامبر مسیحیان بوده است و بعد هم به آسمان عروج کرده است. این مذهب مهرپرستی در اوایل سلسله‌ی اشکانیان از شرق ایران پدیدار شده و سراسر دنیای متمدن آن روز را درنوردیده و در روم هم به‌صورت مذهب عامه درآمده است. مراسم این مذهب مانند مقدس‌بودن یک‌شنبه (روز زایش مهر)، شب یلدا و شام آخر و ناقوس کلیسا و شراب متبرک و تقسیم نان و آب از مذهب مهر مسیحا ناشی شده و در روم قبل از میلاد رواج داشته است.

بعد از ظهور حضرت عیسی ناصری پیامبر مسیحیان این رسوم مورد علاقه‌ی مردم عیناً از مذهب مهر مسیحا به مذهب حضرت عیسی مصلوب سرایت کرده است. تولد حضرت عیسی ناصری پیامبر عیسویان روز شش ژانویه بوده، به‌علّت علاقه‌ی مردم روم به شب یلدا در سال ۳۵۴ بعد از میلاد به روز ۲۱ دسامبر یا اول دی ماه روز قبل از شب یلدا (شب تولد مهر مسیحا) تبدیل به شب تولد حضرت عیسی مسیح ناصری شده است. بعدها به‌علّت اشتباه محاسبه سال‌های کبیسه، شب تولد عیسی ناصری به شب ۲۵ دسامبر تغییر داده شده است. اکنون هم بعضی از فرقه‌های مسیحی تولد شب تولد حضرت عیسی ناصری را ششم ژانویه می‌دانند و به همین علت شب یلدا در میان مسیحیان هم جشن گرفته می‌شود.

وجه سوم ـ در ایران پیش از اسلام، روزهای ماه هر کدام نامی جداگانه داشته و ماه‌های دوازده‌گانه هم به یکی از آن اسامی روزها نامیده می‌شده است و هر زمان که نام روز با نام ماه با هم تطبیق می‌کرده، آن روز را جشن می‌گرفتند. نام ماه دهم هر سال هم به‌نام ماه دی معروف است. کلمه‌ی دی یعنی خداوند که از کلمه‌ی دادار به‌معنی پروردگار مشتق شده است، لذا روز اول دی ماه و شب قبل از آن به‌نام خدا هم با ماه خدا (دی ماه) تطبیق می‌کرده است، مردم آن را مقدس و مبارک دانسته و جشن گرفته و نیایش می‌کردند. به‌قول ابوریحان بیرونی، روز اول دی‌ماه، روز خوره (= فرّ یا خدا) یا روز خرم نامیده می‌شده و در آن روز بارعام داده می‌شد و مردم از طبقات مختلف بدون هیچ مانع و رادعی در بیرون از کاخ سلطنتی با شاه ملاقات می‌کردند و بر سر یک سفره می‌نشستند و

عرایض و شکایات خود را حضوراً مطرح و تقاضای رسیدگی می‌کردند. شب قبل از آن، یعنی شب یلدا را هم در پشت‌بام‌ها آتش روشن می‌کردند و داخل خانه‌ها را هم به‌وسیله‌ی چراغ‌ها نورانی و روشن می‌نمودند.

وجه چهارم ـ ایرانیان قدیم روز و روشنایی را از اهورامزدا و تاریکی و شب را از اهریمن می‌دانستند و معتقد بودند که یاران اهریمن در شب‌ها بیرون آمده و در تاریکی به افساد مشغول می‌شدند و شب یلدا را که طولانی‌ترین شب سال و تاریک‌ترین شب آن می‌دانستند و آن را مظهر اوج قدرت‌نمایی اهریمن و یاران او به‌حساب می‌آوردند، لذا وظیفه‌ی خود می‌دانستند که در آن شب به یاری نیروهای ایزدی (روشنایی و روز) بشتابند و از نیروی اهریمن بکاهند و با او مبارزه کنند و جشن شب یلدا یادگار آن است. ■

منابع و مآخذ

۱ـ **جستاری درباره‌ی مهر**، دکتر محمّد مقدم. ۲ـ **گاه‌شماری و جشن‌های ایرانیان باستان**، هاشم رضی. ۳ـ **میترائیزم یا مهرپرستی**، هاشم رضی. ۴ـ **تقویم و تاریخ در ایران**، ذبیح بهروز. ۵ ـ **جشن‌های ایران باستان**، دکتر پرویز رجبی. ۶ ـ **لغت‌نامه‌ی دهخدا**، علامه علی‌آکبر دهخدا.